

# نقش امان در زندگی

مؤلف: دکتر یوسف قرطباوی  
مترجمین: فرزانه غفاری - محسن ناصری

www.ketab.ir

سرشناسه: قرضاوی، یوسف، ۱۹۲۶-۲۰۲۲ م.

ترجمه فارسی: الأیمان والحیة . فارسی

عنوان: نقش ایمان در زندگی

مؤلف: یوسف قرضاوی؛

مترجمان: فرزانه غفاری، محسن ناصری.

تهران: نشر احسان، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۴۰۷ ص. ۱۷x۲۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۶۴-۵۹۵۶-۷۲-۹

یادداشت: چاپ هفتم.

موضوع: ایمان (اسلام) Faith (Islam)

شناسه افزوده: غفاری، فرزانه، ۱۳۳۹، مترجم

شناسه افزوده: ناصری، محسن، ۱۳۴۱، مترجم

رده‌بندی کنگره: BP۲۲۵

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۶۶۱۱۱

## نقش ایمان در زندگی

مؤلف: دکتر یوسف قرضاوی

مترجمین: فرزانه غفاری - محسن ناصری

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ مهارت

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: هفتم-۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۹۶۶۴-۵۹۵۶-۷۲-۹



نقش ایمان در زندگی



شابک: ۹۷۸-۹۶۶۴-۵۹۵۶-۷۲-۹

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ

فروزنده، شماره ۴۰۶. تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

www.nashrehsan.com

## فهرست

۲۳	ایمانی که ما از آن سخن می‌گوییم.....
۲۳	کدام ایمان؟!.....
۲۸	محتوای ایمان چه باید باشد؟!.....
۳۰	وجود خداوند متعال:.....
۳۵	الله خدایی یگانه است.....
۳۹	کمال خدای متعال.....
۴۶	ایمان به نبوت پیامبران.....
۵۱	ایمان به آخرت.....
۵۹	امتیازات مکتب اسلام.....
۵۹	۱- وضوح و سادگی:.....
۶۰	۲- فطری بودن:.....
۶۰	۳- ثبات و پابرجایی:.....
۶۱	۴- استدلالی بودن:.....
۶۲	۵- عقیده میانه‌رو:.....
۷۳	نقش ایمان در زندگی فردی.....
۷۳	پیش‌درآمد.....
۷۵	ارزش انسان در پرتو ایمان.....
۷۵	انسان از دیدگاه ماتریالیست‌ها.....
۷۷	«انسان» از دیدگاه دین‌داران.....
۷۹	جایگاه انسان نزد خدا.....
۸۰	جایگاه انسان در عرش اعلا.....
۸۱	جایگاه انسان در این جهان مادی.....

۳۰۶	منابع نیروی انسان با ایمان.....
۳۰۸	ایمان به حق.....
۳۰۹	ایمان به جاودانگی:.....
۳۱۳	ایمان به برادری.....
۳۱۴	نیرومندی انسان به اندازه ایمان او است.....
۳۱۵	آثار وضعی این توانمندی‌ها در روح و روان انسان با ایمان.....
۳۱۶	ب. ناچیز شمردن نیروهای مادی.....
۳۱۸	ج. اخلاص در گفتار و کردار.....
۳۱۹	د. رهایی از ترس و آز.....
۳۲۰	ه. خوار شمردن زورمداران و طاغوت‌ها.....
۳۲۴	گواهی تاریخ.....
۳۲۵	راز ناتوان شدن مسلمانان.....
۳۲۶	خودمرگی و ضعف با ایمان منافات دارد.....
۳۲۹	رحم و مهربانی.....
۳۲۹	رحم و مهربانی انسان با ایمان جلوه‌های از رحمت خدای متعال است.....
۳۳۱	هر که رحم و مهربانی نکند، مهربانی نیند.....
۳۳۳	مظاهر مهر و محبت در جامعه اسلامی.....
۳۳۵	تبه‌کاری‌ها و زشت‌کاری‌ها زاینده بی‌ایمانی و سنگ‌دلی است.....
۳۳۷	دو نمونه از نمونه‌های مهربانی اهل ایمان.....
۳۳۸	نمونه نخست:.....
۳۳۹	نمونه دوم:.....
۳۴۱	ایمان و تولید.....
۳۴۱	ایمان و عمل.....
۳۴۲	انگیزه انسان با ایمان برای کار و کوشش یک انگیزه درونی است.....
۳۴۳	رستگاری آخرت در گرو کار و کوشش است نه آرزوها.....
۳۴۴	موفقیت در زندگی دنیا به کار و کوشش است.....
۳۴۵	انسان با ایمان هرکاری را که انجام می‌دهد، در پرتو خشیت الهی، آن را درست انجام می‌دهد.....
۳۴۶	تأثیر آرامش روانی در تولید.....
۳۴۶	تأثیر استقامت در تولید.....
۳۴۷	انسان با ایمان ارزش وقت را می‌داند.....
۳۴۸	عبادات و تولید.....
۳۵۰	انسان با ایمان زمین خدا را با کار خود آباد می‌گرداند.....
۳۵۱	ایمان به آخرت دنیا را معطل نمی‌گذارد.....

۳۵۳	..... «توکل» معنایش «تواکل» نیست.
۳۵۵	..... ایمان و اصلاح
۳۶۲	..... کلید بی‌همتا برای قفل‌های بسته زندگی.
۳۷۱	..... بین علم و ایمان.
۳۷۱	..... ادعای بی‌نیازی از ایمان یا داشتن علم مادی.
۳۷۱	..... دستاوردهای ادعا شده از ورای اکفا به دانش بشری.
۳۷۲	..... رد این ادعا.
۳۷۲	..... اولاً، میدان دانش از میدان ایمان جدا است.
۳۷۴	..... ثانیاً، نتایج دانش بشری تقریبی است نه یقینی.
۳۷۶	..... ثالثاً، رسوخ و پابندی به دانش، به ایمان رهنمون می‌گردد.
۳۸۰	..... آیا حقیقتاً الحاد و بی‌دینی دستاوردهایی دارد؟
۳۸۰	..... بهداشت و سلامت روانی و عقلی.
۳۸۳	..... این نسل بی‌حده و مرز و بی‌قید و بند و فاقد امید.
۳۸۵	..... آزادی شخصی و رهاوردهای آن.
۳۸۸	..... کار و تولید برای زندگی.
۳۸۹	..... روان‌شناسی جای ایمان را نمی‌گیرد.
۳۹۳	..... روان‌پزشکی در رکاب ایمان.
۴۰۵	..... خاتمه.

## پیشگفتار

حمد و سپاس خداوند جهان را و سلام و درود بر رسول خدا و برخاندان و یاران او و هرآن کس که او را هادی و راهنما گرفته و پیروی حضرتش را برگزیده است.

موضوع «ایمان» هرگز یک موضوع فرعی و یک مسأله حاشیه‌ای نبوده است و نخواهد بود که ما بتوانیم آن را نادیده بگیریم بلکه آن کم بها دهیم، یا آن را در بوته فراموشی واگذاریم درجایی که «ایمان» موضوعی است وابسته به هستی انسان و سرنوشت او، بلکه من فکر می‌کنم موضوع ایمان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین موضوع «سرنوشت‌ساز» در رابطه با انسان باشد.

مسأله خوش‌بختی ابدی است یا بدبختی همیشگی، بهشت جاویدان است یا آتش‌دوزخ برای ابد، بنابراین هر خردمندی باید در این رابطه بیندیشد و حقیقت درون‌مایه «ایمان» را فهمیده و سنجیده دریابد. خردمندان و صاحب‌دلان پیرامون موضوع «ایمان» بسیار اندیشیده‌اند و هر یک از آنان به شیوه خاص خودشان در نهایت به اثبات اعتقاد به خدا رسیده‌اند. بعضی به ندای فطرت که از ژرفای درون انسان به گوش جان آدمی زادگان می‌رسد استناد کرده‌اند که:

﴿أَفَى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (ابراهیم: ۱۰)

«مگر درباره خدا شک و تردیدی هست، خداوندی که پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است؟»

﴿فَطَرَتِ اللَّهُ آلَىٰ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (روم: ۳۰)

«این سرشت خداوندی است که مردمان را همگی بر آن سرشته و آفریده است.»

بعضی دیگر بر اصل «علت و معلول» تکیه کرده‌اند که می‌گویند: هر اثری ناگزیر ناشی از مؤثری است و هر ساخته شده‌ای را سازنده‌ای است، و هر حرکتی محرکی لازم دارد، و هر

سیستم منظم و حساب شده‌ای حتماً باید نظم‌آفرین و سازمان‌دهنده‌ای داشته باشد ... که البته این اصل خودبه‌خود بدیهی و ثابت است و هرکس به عقل خود آن را در می‌یابد. بعضی هم عنان گفتگو را به میدان حساب و ریاضیات برده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ایمان داشتن به خدا و آخرت و رستاخیز و پاداش و کیفر قیامت هم در این زندگی دنیوی و هم پس از آن برای انسان باصرفه‌تر است. شاعر و فیلسوف ابوالعلاء معری می‌گوید:

قال المنجم والطبيب كلاهما لا تبعث الأموات، قلت: إلیکما

«منجم و پزشک هر دو گفتند که مردگان رستاخیزی ندارند! گفتم: چنین باشد! اگر حرف شما درست دربیاید من زبانی نکرده‌ام، اما اگر حرف من درست درآید زیان و ضرر مسلم از آن شما خواهد بود!».

هم‌چنین فیلسوف ریاضی‌دان، پاسکال می‌گوید: «یا باید بر این عقیده باشیم که خدا وجود دارد یا این که چنین اعتقادی نداشته باشیم، کدام‌یک را برگزینیم؟ ای انسان، عقل و خرد تو درمانده‌تر و ناتوان‌تر از آن است که بتواند در این میانه‌گزینه‌ش درستی داشته باشد. چنین حساب کن که در یک بازی یا مسابقه با طبیعت هم‌بازی شده‌ای. طبیعت تیر خود را پرتاب می‌کند و تو هم تیر خود را نشانه می‌روی و به ناچار باید یکی از این دو تیر برنده شود... حال خوب مقایسه کن بین سود و زیان‌های احتمالی خودت در این بازی و مسابقه! اگر بیایی و بنا را بر این بگذاری که بر روی هرچه داری شرط‌بندی کنی که تیر اول - یعنی عقیده به وجود خدا - حتماً برنده خواهد شد، از دو حال خارج نیست: اگر برنده شد که تو به خوش‌بختی همیشگی و سعادت ابدی رسیده‌ای! اگر بازنده شد، تو چیز بااهمیتی را از دست نداده‌ای ... نهایت مطلب آن است که تو یک چیز از میان رفتنی را که به هر حال نمی‌توانسته است برایت ماندنی باشد از دست داده و به مخاطره افکنده‌ای، و دادن هرچند غرامت از دست شونده‌ای و فانی به فرض آن هم که چنین باشد، قابل تحمل و خردمندانه است».

ما می‌خواهیم بر این سخن بیفزاییم و بگوییم: آن‌کس که به خدا و سرای آخرت ایمان می‌آورد، هرگز چنین نیست که دنیای فانی را برای به‌دست آوردن آخرت باقی به مخاطره افکند ... هرگز! او با ایمانی که آورده‌است هر دو زندگی دنیوی و اخروی را با هم به‌دست می‌آورد، هم در دنیا و هم در آخرت به بهترین مزایای زندگی نایل می‌گردد. خداوند متعال راست فرموده است که:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (نساء: ۱۳۴)

«هر آن‌کس که طالب بهره‌وری از دنیا است از این سوی بیاید که بهره‌وری دنیا و آخرت

نزد خداست».